

سنگر

حوط حمل سنگر، مشارکت در هزینه انتشار سنگر است.
مدافع مشارکت برای ایران، نظم، آزادی و مساوات برای
۲ شماره ۵۶۴۲ دلار برای آمریکا و ۱۸ دلار است.

2 BLOOR STREET
WEST 100/BOX 428
TORONTO, ONT.,
CANADA M4W 3E2
نشانی سنگر:

تسايد شير مردان راز هزر خمي زجا رفتن

گزارش ۵۰۰

عذرخواهی

رشته مقالات راجع به قره باغی بیش از آنکه که تصور میشد مورد توجه ایران یاران قرار گرفته است
در این صورت، جاداشت که تحقیق مزبور با بحث در مسائل زیر
- قره باغی هم خیانت کرد و هم خدمت - کودتا و بیطرفی - نقش مذهب در شورش ۵۷ - راه مقابله با
شورش ۵۷ و نظایر آن پیگیری میشده

اما انتشار یا نصدمین شماره سنگر و لزوم تقدیم گزارشی حضوراً ایران یاران و نیز خاموشی نشریه
ایران شهر، انجام آن مهم را ممکن نساخت لذا با عرض معذرت امیدواریم که در شماره آینده سنگر
بخشی از تحقیق سنگر متوجه مسائل مورد تعهد در رابطه با اتهام اساسی قره باغی باشد.

ایران یاران گرامی

ایران یاران گرامی، این نمره سنگر که اکنون مفتخر به حضور شماست، یا نصدمین سنگر است که
مدت ۱۵ سال در خدمت به ارمان مشترکمان کوشیده است.

به اعتبار سنگرهای منتشره و اعلامات مکرر، رابطه سنگر با ایران یاران، رابطه کارفرما و کارگر
است، رابطه آموما موراست که این سرباز، آنچه که ایران یاران می اندیشیدند ولی فرصت نوشتن
انرا نداشتند این سرباز در حد اقلی تر تحریر و منظم کرده و به اطراف میبواکنده
این باور سنگر ایجاب میکند، اکنون که ۱۵ سال است این ما موریت با همت و خواست و حمایت مادی و
معنوی شما ایران یاران گرامی پیگیری شده است، ضمن تشکر و سپاسهای قلبی گزارشی بسیار فشرده
و کلی دیدگاهی چندی شامل:

- ۱- گزارشی از سالهای نخستین سنگر
 - ۲- گزارشی مالی ۲- عملکرد اداری سنگر ۴ دستاورد سنگر
- تقدیم گردده

قسمت اول گزارشی از روزهای نخست سنگر

بقیه در صفحه بعد

ایران شهر

خاموشی ایران شهر

شماره ویژه خرداد ماه ۱۳۷۳ ایران شهر، سخن از تعطیل ایران شهر داشت. سخنی غیر قابل انتظار و بسیار
تاسف بار و در عین حال قابل تعمق و اعتراض امیزه.
اقای شفا در سرمقاله آن شماره انگیزه تعطیل ایران شهر را چنین بیان داشته اند:
"در چنین شرایطی، یعنی با خودداری مصرانه و بیگنبر مقام سلطنت از قبول کمترین تغییر در سیر راههای
که ۱۳ سال است به آن رفته است و امروز هم میبرود، روزنامه ای که بطور بنیادی مخالف این
سیر راه روی است و آن را عامل همه ناکامی های بیرونی می داند چه میتواند بکند؟
"دوره بیشتر وجود ندارد یا خواه و ناخواه به مسیری رود که سلطنت به آن مسیر می رود یا بطور

اولین شماره سنگردر تاریخ دهم مهرماه ۱۳۵۸ منتشر گردید. قبل از انتشار سنگر، مبارزه این سرباز در چند اعلامیه با زیرنویس جبهه میهن پرستان ایران آغاز شد که اعلامیه هادارای شماره ردیف بود.

برخی از این اعلامیه ها و نامه ها بوسیله دوستان و همکاران سابق این سرباز در تهران در حد ممکن پخش گردیده است. از آن جمله است انقلاب ایران را بشناسید که با شماره های ۶ و ۱۳ پخش شده پس از انتشار چند شماره سنگر، دیگر از نام جبهه میهن پرستان استفاده نشد زیرا، فعالیت این سرباز و همکاران سابق در ایران در کم و کیفی نبود که بتوان نام سازمان و یا جبهه را بدان داد و استفاده از آن نام سبب اغوای مردم بویژه ایرانیان آواره که در جستجوی پناهگاهی سازمانی بودند میشد و این چیزی بود که با املات و حقیقت که بایستی زیربنای فعالیت مبارزاتی باشد جور نمیامد. لذا از آن نام صرف نظر و نام مستعار عبدالرحمن برگزیده شده.

در انتخاب نام عبدالرحمن، کسانی اعتراض و انتقاد داشتند و دارند که چرا از نام غربی استفاده شده است، علت آن در رابطه با دخالت در مسائل و بحثهای مذهبی است که تصور میشد عرضه حقایق مربوط به اسلام و تشیع با چنین نامهایی بیشتر مورد قبول مردم قرار میگیرد تا نامهای فارسی و شاید هم اشتهاء فکر میکرده.

مشکل اولیه سنگر

در سالهای ۵۸ و ۵۹ مشکل بزرگ سنگر پیدا کردن نشانی ایرانیان بوده. ان سالها، ایرانیان مقیم خارج از کشور همانند این سالها شناخته شده نبودند، فروتگاههای ایرانی چندان نبود، بلوپیج نبود، روزنامه و نشریه های هم نبود و اگر هم بود بسیار محدود و آنها هم همین مشکل نشانی را داشتند.

پیدا کردن یک نشانی ایرانی در خارج از کشور برای سنگر نعمتی بزرگ بوده. فراموش نمیکنم روزی در یک فروشگاهی دیدم که مردی با فرزندش فارسی صحبت میکند، او را به قصد پیدا کردن نشانی خانهاش برای ارسال سنگر تعقیب کردم، آن شخص با فرزندش به "رجنت پارک" لندن رفتند و من هم بدنبالشان مرد، روی نیمکتی نشست و فرزند خردسالش مشغول تاب بازی شد، من هم روی چمن در انتظار حرکت آن مرد نشستم. ساعتی بعد مرد با فرزندش برآه افتاد من هم به تعقیب آنها رفتم در مقابل رجنت پارک یک ساختمانهای چند طبقه وارد شدند، بعد از چند دقیقه، تمام زنگهای ساختمان را یکی یکی بصدادر آوردم تا فهمیدم که آن مرد ساکن کدام طبقه است و سنگر برایش پست کردم.

بیاد دارم که سنگرها را در راهروی یک کلاس درس انگلیسی می انداختم و موقع تعطیل دورا دور مواظب بودم که ایاکسی اثر بر میدارد و مورد توجه قرار میدهد تا تعداد بیشتری هفته بعد انجا بگذارم.

گیرندگان قلبی سنگر

باری - رویه سنگر چنین بود که هر کس تقاضای سنگر میکرد برای سنگر فرستاده میشد و به مناسبت مسائل امنیتی و ترس از رژیم و برخی احتیاطها نام و مشخصاتی هم از درخواست کنندگان خواسته نمیشده. در اواخر سال ۵۹ جریانی اتفاق افتاد که شرح آن بی مورد نیست و میتوان از آن ملاحظاتی را برداشت کرده. ماجرا از این قرار است که:

در اواخر سال ۵۹ هر هفته نامه های زیادی در حدی غیر قابل انتظار به سنگر میرسید که تقاضای سنگر شده بوده. بطوریکه ظرف ۴ تا ۵ ماه حدود ۳۰۰ تقاضای اشتراک به سنگر رسید. این جریان از یک طرف موجب مسرت و امیدواری بود که چنین استقبال از انتشار سنگر میشود و از طرفی با رمالی سنگر را بیش از حد سنگین ساخته بود که اگر همچنان ادامه مییافت، شاید توفیقی برای چاپ سنگر و ادامه رویه سنگر باقی نمیمانده.

روزی نامه ای بسیار محرمانه به سنگر رسید که نویسنده نوشته بود "این درخواستهای سنگر را فلانی درست میکند و واقعیت ندارد و قصدش خواباندن سنگر است، خودش گفته شما قدرت مالی کافی ندارید و همینکه فشار سنگر زیاد شود، سنگر را رها میکنید." بعد هم نویسنده نامه اضافه کرده بود که شما میدانید که فلانی آدم بددهنی است و فعلا کدخدای ایرانیان خودش را میداند خواهش دارم که مرا گرفتار اشتقاق جوئی او نکنید.

با دریافت این نامه و آگاهی از این نوطه نا جوانمردانه، کارت تمایل سنگر برای گیرندگان سنگر بکار گرفته شد تا اگر طالب ادامه ارسال سنگر میباشند، کارت را به نشانی سنگر پست کنند. با این عمل عمل گیرندگان قلبی سنگر از دریافت سنگر خارج شدند و بسیاری از کارت تمایل سنگر به سنگر بازنگشت.

حیرت خواهید فرمود اکنون که با استحضار میسرانم آن فلانی، یک سلطنت طلب هم بوده و عجب اینکه اولین اعلامیه تهدید آمیزی که علیه اینجانب در لندن پخش شد از جانب همین ایشان بوده.

اسم مراقلم بزنید

در سال ۱۳۵۸ روزی در لندن به آقای م- ف که از دوستان سابق و از ما حبسندان روزنامه اطلاعات بود برخورد کردم، صحبت از اوضاع و احوال شد صحبت را به سنگر کشیدم و گفتم یک نشریه ای که طرفدار سلطنت است در لندن بطور مخفی منتشر میشود که برای من هم فرستاده میشود رایگان است، خواندنی است و اضافه کردم اگر تمایل دارید نشانی منزل را بدهید به آنها می نویسم که برای شما هم بفرستند. نشانی منزلشان را داده اند من هم چند شماره از سنگرهای منتشر شده را با انضمام اعلامیه ها و دیگر

چیزهایی که سنگر منتشر کرده بود برایش پست کردم . چند روز بعد تلفنی از او داشتم که تقاضای ملاقات بسیار فوری را داشت ، خیلی تعجب کردم ، قرار گذاشتم ، به محض سلام و علیک باحالی بسیار افسرده و نادم و توأم با ترس گفتم ، فلانی ، خواهش دارم به آنجا که سنگر برایم فرستاده اند بگو که نشانی مرا قلم بگیرند و نامی از من نباشد . اگر بولی هم باید بدهم مندم . قول مردانه بده که این کار را خواهی کرده من نگرانم ، قول دادم و از آن پس دیگر سنگر برایش نرفت .

تجربه مطبوعاتی

این سرپاز ، هیچگونه سابقه کارویا تجربه ای در کار مطبوعات و روزنامه داری نداشت حتی نمیدانستم که "لترست" چیست ، ستون بندی کدام است . برای تیترهای داخل سنگر از حرفهای درشت روزنامه کیهان که از ایران برایم پست میشد استفاده میکردم و با پادست مینویشتم . برای اولین بار کلمه با لترست آشنا شدم وقتی بود که والا گهر آزاده شفیق که از جریان کم و کیف سنگر مطلع شدند یک بسته لترست به سنگرها دادند . گردید که هنوز هم دارم یعنی آنرا فتوکپی کرده و از فتوکپیها استفاده میکنم البته گویا خالیه از لترست استفاده نمیشود و یا کمتر میشود و این کارها بوسیله کامپیوتر صورت میگیرد . ناگفته نگذارم که این سرپاز ، با نوشتن بیگانه نبود ولی نه به روزنامه نگاری علاقه ای داشت و نه اکنون هم دارم و ابدا هم تصور نمیکنم که کاری را که شروع کردم به این دراز بکشد . این سرپاز ، سنگر را وسیله ای برای شروع مبارزه ای منتشر ساخت که دستاوردهای آنرا زیربنای مبارزه اصولی برای نجات کشور در مفهوم براندازی رژیم غاصب و استقرار رژیم سلطنتی ایران میدانست . در کمال تأسف آن چه سنگر در جستجوی آن بود قوام نیافت و تنها انتشار سنگر ادامه یافت .

قسمت دوم - گزارش مالی سنگر

در سال ۵۸ و اوائل ۵۹ هزینه های انتشار سنگر و رساله های منتشره را شخصا میپرداختم و از آن سال کمک ایران بازان به انتشار سنگر شروع شد و تا آن کمک ادامه داشت ، سنگر بطور رایگان برای تمام ایرانیان خارج از کشور که کارت تمایل سنگر را با زیرین میفرستادند ارسال میگردد و برای داخل کشور هم ، سنگرهای خاصی که مصلحت بود ، برای دوستان بصورت کوچک شده به ابعاد یک سانتیمتری بصورت غیر قابل کنترل ارسال میگردد که آنها ، آنرا بزرگ کرده و استفاده مینمودند و ولسی خیلی زود ، دوستان ، با ارائه راه ساده و مطمئنی ، آن طریق متروک گردید .

از رساله های منتشره سنگر ، کتاب قضاوت و نیروی با زدارنده در تهران بطور مخفی تجدید چاپ شده است قضاوت را نمیدانم از ناحیه چه کسی ولی میدانم که یک جلد کتاب قضاوت به مبلغ ۵۰۰ تومان در همان سال ۵۹ و ۶۰ بوسیله پاسدارانی به افرادی که اطمینان نشان عرضه میشد . ولی رساله نیروی با زدارنده توسط دوستان سنگر تکثیر و برای بگان پخش شده است .

سنگر از شماره ۳۲۲ تنها برای کسانی ارسال شد که در تاهمین هزینه انتشار سنگر مشارکت دارند در این قاعده که سعی شده است هیچ استثنائی وارد نگردد ، فقط خانواده شادروان علی توکلی "سازمان جوانان ناسیونالیست لندن" و کتابخانه ها و مطبوعات بشرط میادله متقابل مستثنی میباشند .

همینجا جا دارد از ایران بازان گرامی که در تاهمین هزینه انتشار سنگر بیش از حد اقل معین شده مشارکت میفرمایند و با حق السهم مشارکت ایران بازان دیگر را تقبل کرده اند سپاسگزاریم .

موقعیت مالی سنگر

میتوان به جرات ادعا کرد که سنگر کم خرج ترین نشریات بیرون مرزی کشور میباشد . یک نمونه از طرز عمل سنگر میتواند میزان و کم و کیف صرفه جوئی سنگر را نشان بدهد . نمونه این است سالهاست که سنگریولی بابت خرید کاغذ مورد نیاز سنگر ، شامل کاغذ پیش نویسی ، فیش های تحقیقی ، نسخه اصلی سنگر نمیدهد و شاید یک یا دو بار ناچار شده است که خلاف این رویه عمل کند . سنگر از کاغذهای باطله چاپخانه ای که سنگر را چاپ میکند برایگان استفاده مینماید ، کاغذهایی که غالباً در اشتباه چاپی به دور ریخته میشود و هر زمان که لازم باشد یک کارتن بزرگ از چاپخانه میگیرم این کاغذها ، گاه یک روی آن و گاه هر دو روی آن کم و بیش قابل استفاده است و تنها نامه های با مارک سنگر و پاکت پستی خریداری میشود .

سنگر ، هیچگونه هزینه های ماندگرا به محل ، کارمند ، هزینه تلفن راه دور و فکس ، مسافرت و سایر حملات دفتری و مشابهات آنها را ندارد ، برداخت های هزینه ای سنگر اختصاص به موردی دارد که در لزوم آن بحتی نیست از جمله نوار ماشین تحریر که قابل صرفه جوئی نیست .

تصور نفرمائید که سنگر انقدر فقیری اعتباری است که پولی برای خرید کاغذ ندارد ، خیر ایداجنین نیست ، اتفاقاً اگر سنگر کم خرج ترین نشریات بیرون مرزی است ، در عین حال هم میتوان آنرا از نظر مالی مستغنی ترین نشریات بیرون مرزی دانست .

سوء تفاهم نشود مقصود از مستغنی بودن ، بی نیازی مالی در حد برابری درآمد و هزینه سنگر است و در واقع مصداق این ضرب المثل "قناعت شوانگر کنند مردرا" است .

اصولاً با وارد دارم که مبارزه باید بر اساس صرفه جوئی و حساب و کتاب و با زهم صرفه جوئی هر چه بیشتر به جلو برود . مبارزه ای که وضعش اینجوری است و به عبارت آشنا ، در دوران آشوبگری آرام درجا میزند و قدری هم به عقب میروند باید مبارزین ، بیش از پیش احتیاط کنند و الا ناچار به تعطیل نشریات و

پاگدائی و یا خدای نکرده اخاذی و یا وابستگی به غیر میشوند.

به حال آن نشریه و مبارزه‌ای باید گریست که دخلش بود نوزده خرج بیست.

برخی از ایران یاران ناظر بوده‌اند که همواره به آنها توصیه شده است هر چه بیشتر صرفه جوئی را در راه مبارزه رعایت کنند. نوشته‌ام که بجای تلفن راه دور، نامه بنویسید و وضع مبارزه چنین نیست که فوریت تلفن را لازم ساخته باشد، خودتان را آلوده مخارج بیهوده انهم بنام مبارزه نکنید، شما وقتی تلفن کردید، طرف هم ناچار میشود که روزی بشما تلفن کند و خرج بیهوده دو طرفه میشود. تصور نکنید که این سرباز علفهای ندارد که ساعتها پای تلفن با ایران یاران گرامی گفت و شنود داشته باشد ولی در شرایط فعلی و کم و کیف مبارزه انجام این کار واجب و ضروری نیست و اگر گمانی ناراحت نشوند، لااقل هشتاد درصد تلفنهای که بین مبارزین رد و بدل میشود جنبه تفریح و تفریح و شکست اعصاب و درد دل را دارد.

بدیهی است که این گونه هزینه‌ها را نمیتوان و نباید به حساب مبارزه گذاشت، و حیا این سرباز هم مانند بسیاری از ایران یاران تحمل شکر را ندارد.

مثالش روشن است، سربازی که در سنگراس و میدانکه فشنگهایش محدود است و پشت بند مطمئن هم ندارد و جنگ هم به این زودی ها پایان پذیر نیست، اگر سربازی با تجربه باشد فشنگهایش برای شکار گنجشک و یا تموین تیراندازی تلف نمیکند و تا نمیتواند صرفه جوئی میکند.

مخارج سنگر

از شماره اول سنگرتا این شماره جمعا ۱۴۵۰۰۰ دلار هزینه چاپ سنگرها شده است و رقمی نزدیک به ۱۶۵۰۰۰ دلار هزینه پستی (تمبر) به آن تعلق یافته است و این ارقام خارج از هزینه چاپ رساله‌های سنگر و یا طرح های اجرایی مانند طرح اعلام عام و طرح پشتیبانی و ارسال تصاویر و علیحضرت به ایران و دیگر فعالیت های جنسی از جمله مکانیات با ایران یاران است.

ذکر ارقام هزینه سنگر از این جهت لازم افتاد که این واقعیت نشانگر آن است که ایرانیان خارج از کشور برای مبارزه علیه رژیم غاصب، در کمال میل و علاقه سرمایه گذاری کرده‌اند. در جایی که سنگر که ناقابل ترین نشریات خارج از کشور است، اینچنین از کمک مادی ایران یاران بهره جسته است بدون شک، ایرانیان در ابعاد وسیع مورد نیاز مبارزه هم از کمک مادی دریغ نداشته‌اند ولی متأسفانه این مبارزه بوده است که بطلت تا کامی و هرچ و مرج و نداشتن رهبری و برنامه نتوانست از مادگی کمک ایرانیان استفاده لازم را ببرد. اگر میزان کمک مبارزاتی و نشریات بیرون مرزی از سوی ایرانیان معلوم گردد، چه بسا که رقمی بسیار سرسام آور و غیر قابل تصور نشانگر آن کمکها باشد چه حیث که دستاورد این سرمایه گذاری های ایرانیان چیزی جز خسارتی نیست.

قسمت سوم گزارش اداری سنگر

محل کار سنگر در لندن در همان اطاقی بود که میخواهیدم ولی در اینجا از اطاقی بزرگ به ابعاد تقریبی ۱۰×۵ استفاده میکنم، اطاقی مملو از کاغذ و پیرونده و اوراق تحقیق و حقیقتا دارم در کاغذ غرق و دفن میشوم و میدانم سایر نشریات و جزایر با اینهمه کاغذ و روزنامه چه میکنند شاید بتوان گفت که ارشیو سنگر در ردیف غنی ترین ارشیوهای مبارزه است و سنگر بطور تقریب در هر هفته، حدود ۲۵۰ تا ۲۵۰ وارده تحقیقی دارد که حداقل بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ عدد آن بصورت فیش بایگانی میگردد.

وارده های تحقیقی، مشتمل بر بریده های جرائد فارسی و خارجی، گرفته های از خبرگزاری ها، رادیو و تلویزیون، کتابخانه ها، کتابخانه سنگر و کاست ها و نامه های ایران یاران است.

بایگانی کردن این فیش های تحقیقی و گاه اصل ماخذ، کاری بسیار سنگین و وقت گیر است که نیاز بسیاری به دقت، حوصله و علاقه دارد.

در کمال تأسف، اشکالی در ارشیو تحقیقاتی سنگر وجود دارد که آن چنین است.

غالب از فیش های تحقیقی سالهای نخست مبارزه، در حد اشاره بموضوع تنظیم شده است و چون حواس این سربازان سالها تا حدودی درست و حساسی بود، با توجه به همان اشارات مختصر، به اصل مطلب و حتی ماخذ یادداشت پی میبردم ولی از آنجا که اکنون فاقدان قدرت حافظه هستم و این گرفتاری متوجه بیشتر ایران یاران گرامی هم شده است (خبردارم) با مراجعه به آن فیشها چیزی سردر نمی آورم.

السته تجربه به این سربازان موخت که فیشها چگونه باید تهیه و ارشیو شود که برای همه قابل استفاده باشد ولی حیث که خیلی دیر به این آموزش رسیدم و وقتی هم که رسیدم انجام آن چندان ممکن نیست.

زیرا بسیار دشوار است که بکنفری، هم تحقیق کرد و سنگر نوشت، و هم ارشیو تحقیقاتی را فیش بندی کرد، هم مفتخر به پاسخ به نامه ایران یاران شد، هم جرائد و بریده های آنرا خواند و برداشت مطلب کرد، هم کارهای اداری و مالی سنگر را انجام داد و بالاخره سنگر را به چاپخانه برد و از آنجا گرفت و تا کرد و اداری زد بیست نموده.

مشکل ترین کار سنگر، تا کردن و اداری زدن است که برآستی کاری خسته کننده است در سالهای اول که

هنوز اثری از انرژی جوانی بود این کارچندان خسته کننده نبود و تنها شاید کسل کننده بود ولی بعدها و اکنون کاری بسیار ناراحت کننده است حدود ۸ ساعت لازم است تا سنگرها بصورتی درآید که قابل بست کردن باشد.

در گذشته مدت کمتری صرف تا کردن و ادرس زدن سنگر میشد ولی اکنون بمناسبت کهولت و ناراحتی های جسمانی و روحی باید مدت لازم به دوویا سه روز سرشکن شود.

ساعت کار سنگر، از ساعت ۵ یا ۶ صبح هر روز (تا بیست و نه و زمستان) شروع و تا ساعت سه و گاهی ۴ بعد از ظهر ادامه دارد و بعد از ساعت کار سنگر، وقت این سرباز، صرف امور معیشتی میشود. تداخل کار سنگر در ساعات مختص امور معیشتی امری است غیر قابل کنترل ولی برعکس آن تحت کنترل است بهر حال برنامه زمان بندی شده سنگر، مقدم بر هر چیزی است.

نامه ها و نگرانی ها

سنگربانی نسبتا مرتبی از نامه های ایران یاران دارده نامه های سنگر متاسفانه شماره گذاری نشده است از این لحاظ، اعلام تعداد نامه های ارسالی به سوی ایران یاران مشکل است اما این قرینه و دلیل در دست است که بطور متوسط، سنگر، هر چهار ماه یک بسته ۵۰۰ عددی پاکت پستی مصرف کرده است.

بندرت ممکن است، نامه ای بدون پاسخ مانده باشد مگر اینکه حقیقتا پاسخی لازم نداشته است. قطورترین پرونده های مکاتباتی سنگر مربوط به ایران باری مقیم المان است که وزن پرونده های این ایران باری، حدود ۶/۵ کیلوست که هنوز هم ایشان مبارزه میکنند و با سنگر هم مکاتبه مرتب دارند.

بعد از ایشان، دو پرونده مربوط به ایران یاران مقیم لندن است که یکی بوزن ۳ کیلو و دیگری ۲/۵ کیلوست که متاسفانه هر دو ترک مبارزه کرده اند و سالهاست که دیگر با سنگر مکاتباتی ندارند در ردیف بعد، پرونده قطور مکاتباتی ایران باری است که بعلت کهولت و تنهایی، خیلی بندرت نامه ای به سنگر میفرستند.

و بعد، پرونده مکاتباتی ایران باری است عزیز و گرامی که در یکی از سنگرهای اخیر هم اشاره ای به بهای بعد و وسیع همکاری ایشان با سنگر شده است و اکنون که این تحریر تنظیم میگیرد، نامه شماره ۱۵۴ ایشان به انضمام بسته ای بزرگ حاوی بریده جرائد فارسی کوس انجمن شماره ۷۳ سنگر را مفتخر به دریافت ساخته است.

شماره گذاری بسته های ارسال ایشان از اواخر سال ۷۱ شروع شد تا معلوم شود که همه بسته ها به سنگر میرسد و این در حالی است که سالهاست مرتب بسته های سنگین ایشان مشتمل بر بریده جرائد و حتی قبل از شروع مکاتبات با سنگر به سنگر رسیده است.

باری - نگهداری انبوه نامه های ایران یاران در ارشیو سنگر مسئله ای قابل تعمق و چاره اندیشی است زیرا که، بهر حال کثیری از این نامه ها خصوصی است و به اعتبار اعتماد به سنگر و این سرباز نوشته شده است و نویسنده معلوم نیست که راضی باشد، روزی، روزگاری، این نامه ها ازید سنگر خارج گردد و این سرباز هم نگران همین تا مین رضایت ایران یاران است.

با رها تصمیم گرفتم که با اعلانی در سنگر و گذشت مدت، کسانی که مایلند، پرونده مکاتباتی خودشان را از سنگر پس گیرند و بعد از گذشت مدت، سنگر در امحاء نامه ها اقدام کند مشکل اتحاد این پرونده کم نیست، صرف نظر از هزینه سنگین پستی و مشکل وقت، تداخل نامه ها با روش تحقیقاتی هم هست زیرا برخی از نامه های ایران یاران که حاوی هدایت های تحقیقی و موضوعی است در روش تحقیقاتی بایگانی شده است و بسیار مشکل و دشوار است که بتوان آنها را تفکیک کرد و در نتیجه پرونده مکاتباتی ایران یاران را نمیتوان کامل شناخت.

اندیشه باز پرس فرستادن نامه ها از اینجا پیدا شد که ایران باری به سنگر نوشت که قصد عزیمت به ایران را دارد و اضافه کرد که میدانم شما از این تصمیم من رنجیده خواهید شد نگرانی من از نامه هایی است که سرد شما دارم که شما نمیتوانید، با ارائه آنها مرا متنبه سازید فوراً نامه های مرا مسترد داشتیم و با نامه ای از ااورف تشویب کردم.

تهدیدات

چند هفته قبل، تلفنی داشتم مشکوک و هه هه هه بی احتیاطی من سبب شد که هم سرم در جریان تلفن قرار گرفته و نگران شدم وقتی احساس کردم که بفکر فرورفته است به او گفتم شما میتواند موهای سرما بشمارید؟ گفت نه، مقصودتان چیست گفتم متهم نمیتوانم دفعات تهدیدی که ظرف این ۱۵ سال داشته ام شمارش کنم ولی هرگز شمارا در جریان قرار ندادم و نگذاشتم، که شما مطلع شوید، می بینید که موئی از سرم از باستان تهدیدها کم نشده است، این دلیل آن است که تهدیدات قابل اعتناء نیستند. اضافه کردم یادتان هست که در سال ۵۹ بوسیله قربانی فر (بوزنی) و بیمارهای آدمهای بختیار، چه تهدید خطرناکی شدم و چقدر شما ناراحت بودید، دیدید که آنها چه شدند و من همچنان که بودم هستم خیالتان راحت باشد.

ظرف این ۱۵ سال تلفن های تهدید آمیز چندانی نداشتم زیرا که شماره تلفن این سرباز را کمتر میداند و این خود هنری است در اختفای مسئله ای ظرف ۱۵ سال انهم برای ما ایرانیان. تهدیدات، همواره بوسیله نامه صورت گرفته است. روش این سرباز این است که به مجرد اینکه به اولین عبارت و با واژه تهدید می رسیدم بقیه را خوانده نامه را پاره میکنم و نه بایگانی میکنم.

و نه توجه میکنم که نویسنده چه میگوید ، چه میخواهد از کجا پست شده است ، توجه به این مسائل ویا طرح موضوع با دوستان و بیستگان و بیایلیس و امثال اینها سبب التهاب و ناراحتی های بیشتر میگردد و غرض تهدید کننده هم همین است و پس که انسان را متوش و خیانتش را دچار هیجان کند و اگر کسی واقعا قصد سوئی داشته باشد تهدید نمیکند ، هیچ علامتی نمیدهد که انسان متوجه خطر شده تهدید برای تسلط بر اعصاب تهدید شونده است و پس .

تا سقف مشترکمان

در راستای این گزارش ، نمیتوان این تاسف مشترکمان را با زگونکرد که از ابتدای انتشار سنگر تا کنون ۸۵ نفر از گیرندگان سنگرفوت کرده اند در همین ششماه دوم سال ۱۳۷۲ متاسفانه ۹ نفر از گیرندگان سنگردر گذشته اند و این آمار است که سنگردر جریان قرار گرفته است و بدون تردید تعداد بیشتر از ما رمزبورا است

همچنین در این مدت ، سه نفر از یاران و همکاران این سرباز در ایران فوت کرده اند روحشان شاد و سر بلند باد .

در کمال تاثیر ذکر این تاسف بجاست که تعداد درخواست کنندگان جدید سنگردرش ماه دوم سال ۷۲ کمتر از تعداد مشترکینی است که در همان مدت فوت کرده اند

خبر فوت ایران یاران (گیرندگان سنگر) و بقول نشریات لوس آنجلس (سنگریها) ضربه بسیار بزرگی برای این سرباز است . پرونده آنها از جریان خارج و در ردیف پرونده درگذشتگان بایگانی میگردد . نگاهی به پرونده آنان تاسف انسان را چندین برابر میکند که چه افرادی با چه مادگی های لازم برای مبارزه اساسی وجدی و با چه اعتقادات راستی به حقانیت سلطنت و مشروعیت آن وفاداری به شاه بجای آنکه در راه مبارزه و هدف اعتقادی مشترکمان جان بدهند ، در بسترنامیدی و اوارگی مردند و رفتند ، راهی که زود ترا از تصور نصیب همه ما و مطمئنا این سرباز خواهد شد .

قسمت آخر دستاورد مبارزاتی سنگر

بجاست که این قسمت از گزارش با آب دیده و خون جگر نوشته شود . " چه گویم که ناگفته بیداست کار " در کمال تاسف با همه پشتیبانی مالی ، فکری ، و هدایت های ارزنده ای که از سوی ایران یاران نصیب سنگر شده است و با همه تلاشی که در حد توان این سرباز بکار رفته است سنگر توفیق مورد انتظار بی بدست نیابوده است

اگر توفیق و هدف سنگر را پیروزی بر رژیم غاصب و استقرار رژیم سلطنتی ایران بدانیم که میدانیم باید اعتراف کرد که سنگردر رسیدن به این هدف ناکام مانده است

سنگر اعتراف دارد که حتی در حفظ آنچه که بمناسبت آن بوجود آمده بودن ناکام بوده است و در تطبیق مورد در حفظ موضع پادشاهی که سوگند وفاداری به سلطنت و قانون اساسی رایا ذکر کرده اند هم ناکام شده است .

ابعاد این ناکامی سنگر وقتی بیشتر قابل ارزیابی است که این گذشته ها را یاد بیاوریم

سنگر از مهرماه سال ۱۳۵۹ با انتشارات مقالات اقتصادارست و جا و بدگسته (سنگر ۳۶) - تنها یار برای دیار (۴۶) - انتظار ملت ، از سوی شاه (۴۱) - پیمانی بزرگ با پادشاه جوان (۴۵) سخن فردا (۴۸) و بالاخره مقاله " روری که در تمنایش بودیم (۵۰) برای اعلام سلطنت رضا شاه دوم دقتی شماره میکرده

ابعاد این ناکامی وقتی بیشتر محسوس میگردد که می بینیم در خارج از کشور ، تنها ، باز هم تاکید میشود که تنها یک نشریه و یک سنگر وجود داشت که در جهت اعتقاد به مشروعیت تداوم سلطنت و پادشاهی رضا شاه دوم میکوشید و مینوشت و حتی برای اعلام قبول تصدی سلطنت از جانب ولیعهد به قاهره رفت

فرق است بین سلطنت طلبی که وارد مسائل فلسفی و اعتقادی سلطنت نمیشود و یا اثر مطرح نمیکند با کسی که هم اعتقاد دارد (سنگر) و هم در راه اثبات و برقراری آن از قبل از رسیدن ولیعهد به سن ۲۰ سالگی تمام میکوشیده است و نگرانی های خود را از احتمال عدم قبول تصدی سلطنت ، از جانب ولیعهد آبراز میداشته است .

ناکامی های این دومی (سنگر) قابل اهمیت است نه آن اولی که اصلا در میدان مبارزه نبوده و اعر هم بوده با احساس جلورفته است

سنگر حتی نتوانست پادشاهمان را از اذیت فکری تعدادی بسیار معدود آدم های بی مسئولیت و نالایق و بعضا بی آبرو و رسوائجات بدهد

ذکر علت ناکامی های سنگر چندان بجای نیست زیرا ناکامی های سنگر و علت انرا باید در کل مبارزه سلطنت طلبان جستجو کرد

سنگر جزئی کوچک از کل مبارزه سلطنت طلبان است . البته سنگر میخواست و بسیار هم کوشید و وظیفه هم داشت و دارد که در کل مبارزه سلطنت طلبان موثر باشد و از ناکامی آن جلوگیری کند ولی بهر تقدیر زورش نرسید و بخشی از سلطنت طلبان راه دیگری به جز راه تداوم مشروعیت سلطنت و قانون اساسی را برگزیدند و بخش بزرگی هم بی تفاوت و از مبارزه کنار گیری کردند

ناگفته بیداست که آرمان ما سلطنت طلبان نمیتواند از آرمان پادشاهان جدا و منفک باشد و از سوی آرمان مشترک شاه و سلطنت طلبان هم نمیتواند با منش ایرانی و باورهای اصیل ایرانی نسبت به شاه و سلطنت که عینا همان است که در متمم قانون اساسی پیاده شده است بیگانه باشد و اگر برای بیگانگی رفت ، هم شاه تنها و هم مبارزه سلطنت طلبان بدون رهبر و سامان میشود

ناکامی بزرگ سلطنت طلبان در این بود و هست که نتوانستند ارمان پادشاهان را در چهارچوب ارمان سنتی سلطنت (قانون اساسی و متمم) حفظ کنند و پادشاهان با گامهای سریع عقب نشینی و کمک برخی از سلطنت طلبان به این گامها، ارمانی را ایده آل خود دانستند که با ارمان و ایده آل سلطنت طلبان در دو نقطه کاملاً متضاد قرار دارد.

اعلی حضرت همایونی که در سالهای ۶۰ و ۶۱ ایده آل خود را در براندازی رژیم غاصب، (با تاسکید غاصب بارها و بارها) و برقراری سلطنت مشروطه بیان میفرمودند، با عقب نشینی هایی که به تشویق برخی از سلطنت طلبان صورت گرفت، آن ایده آل مقدسشان در سال ۷۲ تبدیل به ایده آلی شد که مفهوم آن چیزی جز انصراف از مبارزه و تقاضای امان از رژیم غاصب نبوده.

شروع این ایده آل در سنگر شماره ۱۵۷ + ۳۳۲ مورخ اول بهمن ماه ۷۲ تحت عنوان نگرانی های شاه و ایده آل شاه بیان شده است که خلاصه آن چنین است.

- ۱- یک رفرم اساسی توسط رفسنجانی و یا شخص دیگری صورت گیرد که در مفهوم آزادی های سیاسی به مردم داده شود.
- ۲- دوم اینکه هر حکومتی در ایران برقرار باشد، به اعلی حضرت هم اجازه دهد که به ایران بیایند و مانند یک شهروند ایرانی در گوشه ای زندگی کنند و از همین حالا هم تعهد میفرمایند که هیچ فعالیت سلطنت طلبی ننمایند.

ایا انتشار سنگر لازم است

با ملاحظه گزارش دستاورد سنگران پرش می توان دید وجود ایده که اگر سنگر ظرف ۱۵ سال گذشته در مبارزه ناکام بوده است، ایا انتظار دارد که ظرف سالهای آینده انهم با چنین موقعیت هایی که از دست رفته جبران مافات کند؟ و در این صورت انتشار سنگر چه لزومی دارد.

پاسخ این پرسش

همانطور که استحضار دارید و یکرار در سنگرها منعکس شده است، این سرباز، خود را کارگری فکری میداند که در راستای اعتقادی مشترکمان و آنچه که ایران یاران می اندیشند و فرصت نوشتن ندارند این سربازانها را منظم و با طرف به صورت سنگرمی پراکنند و در مفهوم و دقیقتر، این سرباز، ما موری است که تحت امر فکری و اعتقادی ایران یاران، سنگر را تصدی مینماید.

از همین جهت است که هر ۶ ماه که موعد شمید اعتبار هزینه انتشار سنگر است درگاهی مندرج در سنگر نوشته میشود.

"چنانچه ایران یاران گرامی انتشار سنگر را کماکان لازم میدانند نسبت به تامین هزینه انتشاران برای ۶ ماهه آینده اقدام فرمایند

مفهوم مخالف این اعلام جز این نیست که اگر انتشار سنگر را لازم میدانند و یا با خط مشی سنگر موافق نیستند و یا تصدی این سرباز را بر سنگر لازم میدانند، از تامین بودجه سنگر امتناع خواهند فرمود چنانچه وقتی مجلس با بودجه پیشنهادی دولت مخالفت میکند این مخالفت به معنای رای عدم اعتماد به دولت تلقی و دولت کنار می رود.

این سرباز، ما موریتی را که ۱۵ سال قبل پذیرفته و در این مدت ۱۵ سال هم، حمایت و عنایت و کمک فکری و مادی ایران یاران یشتوانه فعالیتش قرار داشته است، مادامی که مورد تائید ایران یاران میباشد، این ما موریت را تصدی خواهد کرد، الا آنکه فوت ما زورمانند مرگ و یا بیماری و یا از کار - افتادگی و کهنولت و امثال آنها مانع ادامه این ما موریت باشد و در چنین حالی هم از ایران یاران تقاضا خواهد شد که در صورتی که انتشار سنگر را لازم میدانند، تصدی دیگری بر سنگر به گمارند.

اما نظراین سرباز

ناکامی در مبارزه از ذات مبارزه جدا نیست. مبارزه ای که ناکامی و شکست نداشته باشد مبارزه نیست. ناکامی های مبارزه هر قدر شدید و عمیق باشد، مانعی برای ادامه مبارزه نیست و نباید هم باشد و اگر چنین بود، چرا بی از بیروزی شورشان در سال ۵۷، ایرانیان بطور طبیعی به سوی مبارزه علیه رژیم غاصب کشیده شدند.

شورشان از سال ۱۳۴۲ تا ۵۷ ناکامی های بسیار سنگینی داشتند ولی دیدید که نا امید نشدند و همچنان به مبارزه خودشان ادامه دادند. نمونه های بسیاری مصداق موضوع است " مانند در آفریقای جنوبی، برجسته ترین اسبهاست.

نظراین سرباز همان است که در مقاله جاره جوئی ها در سنگر شماره ۱۵۹ + ۳۳۲ آمده است و در پایان گفته شده است

"هر تلاشی در رابطه با کم و کیف هدف قابل ارزیابی است تلاشی که برای نجات یک برنده ای از برکه آبی میشود با تلاشی که برای نجات یک انسان از دریای طوفانی میشود یکسان نیست

"سلطنتی که با برنامه ریزی و کمک جهانی ۴ کشور بزرگ و با مشارکت نیروی مذهب و رهبری طبقه روشنگر و حمایت طبقه ملیونی کنها به چنین فتری کشیده شده است، خیلی خیلی بیش از اینها تلاش و فداکاری و جانبازی لازم دارد تا بتوان آنرا دوباره به ایران بازگردانید که در این سرباز (سلطنت طلبان) چنین تلاشی نبوده است.

عبدالرحمن

